

به نام خدا

مقام و منزلت معلم

تهیه کننده: امیر حسین رضایی

بهار ۱۳۹۰

فهرست مطالب

۳-----مقدمه

۴-----مفهوم علم و معلم

۷-----معلم در آیات و روایات

۸-----مقام و منزلت معلم

۱۰-----ویژگیهای معلم

۱۱-----نتیجه گیری

۱۳-----منابع

به نام خدا

مقام و منزلت معلم

مقدمه

در اهمیت و مقام معلم همین بس که پروردگار عالم ، اولین معلم بشریت است و در این نگاه عمیق ، جهان آفرینش همچو مدرسه ای است که افراد بشر هرکدام به تناسب تفاوت ها و درجات و استعداد، شاگردان این مدرسه هستند و در این مدرسه عالم گیر ، شاگردان ممتازش نیز ارزش و منزلتی به بزرگی هردو عالم دارند . اساس فرهنگ و تفکرو شناخت بشری در خواندن و نوشتن و آموزش و سخن گفتن است و آنچه که به انسان پروبال می دهد و او را از سایر موجودات ممتاز و برجسته کرده است در همین چند مورد است . معلم و معلمی در طول تاریخ منشاء هدایت بشر و چراغ فراروی انسان ها در گذر زمان بوده و خواهد بود و سیمای معلمی را در آیات متعدد قرآن کریم از اولین ((الذی علم بالقلم، علم الانسان مالم یعلم)) تا آخرین آنها و در وجود مبارک ائمه اطهار و پیشوایان بزرگ اسلام به وضوح می توان مشاهده نمود و حقیقت و جوهره ی وجودی معلم را با نگاهی عمیق از این منظر باید جستجو نمود . صرف قوت حافظه و محفوظات علمی و ادبی بی روح، هرگز نمی تواند مقام و منزلت و ارزش معلمی را بنمایاند و از طرفی نگاه ابزاری به علم و معلمی ، هیچ گاه مایه رشد و توسعه و ترقی نشده و

نخواهد شد . معلمان بزرگ در هر جامعه ای صرف نظر از نوع نظام آن ، همواره دارای صداقت و اخلاص و ایثار بوده اند .

پرسش اصلی این است که مقام و منزلت معلم در سیمای الهی چگونه تعبیر و تفسیر می شود ؟ مفروض این است که علم و معلمی در مکتب الهی از جایگاه بسیار والا و رفیعی برخوردار است و نگاه الهی به معلم در انسان سازی و پرورش جوانان و جامعه خدامحور تفسیر شده است که باز تولید این ارزش و مقام در جامعه امروزی نیاز به کار مضاعف و همت مضاعف با دیدگاهی عمیق دارد.

مفهوم علم و معلم

کلمه علم در دو مفهوم عام و خاص به شرح زیر معنی می شود:

معنای نخستین علم، دانستن در برابر ندانستن است و قرآن کریم به این معنا نیز اشاره دارد که «آیا آنهایی که می دانند با آنهایی که نمی دانند یکسان هستند؟» از این دیدگاه به همهی دانستنیها ، صرف نظر از نوع آن علم اطلاق می شود. اما در نگاه خاص تر به علم، صرفاً به دانستنیهایی اطلاق می شود که مبتنی بر تجربه حسی بوده و در این معنا علم در برابر همه دانشهایی قرار می گیرد که آزمون پذیر نیستند. علم به معنای اول با تولد و ظهور بشریت همراه بوده است و همیشه نیز وجود خواهد داشت. اما در معنای دوم در طی مراحل مختلف تاریخی در حال شکل گیری است. معلم نیز از کلمه علم بدست می آید و در فرهنگ لغت به معنای تعلیم دهنده، آموزنده، مدرس، آموزگار و استاد و شیخ آمده

است. بنابراین در دیدگاه اول و معنای نخست، علم ترکیبی از شناخت است و در این نگاه، خداوند متعال اول معلم بشریت است چرا که در قرآن می‌فرماید «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» و پیامبران و فرستادگان الهی، دومین معلم بشریت هستند و این بدان دلیل است که در اصل هدف آفرینش، انسان با علم و معرفت پیوند ناگسستنی دارد. در حقیقت معلمان ثانی همانا شاگردان برجسته و برگزیده مکتب حق هستند که بر اساس مشیت الهی، به مقام و رتبه معلمی دیگر آحاد بشر رسیده‌اند و با رسیدن به چنین مقامی اعتبار و منزلت یافته‌اند. آنان با الهام خداوند و تربیت نفس تا سرحد خلافت معلم اول ارتقاء یافتند. بنابراین خداوند متعال هم معلم عمومی افراد بشر است و هم شاگردان ممتاز و برجسته خصوصی دارد که شاگردان این تدریس خصوصی، همان انبیاء و برگزیدگان درگاهش هستند. نمونه عینی ارزش و مقام معلم را در سیمای انبیاء و امامان معصوم و بزرگان دینی به وضوح می‌توان یافت.

معلمان بزرگ و راستین سعی دارند تا انسان را بیدار نمایند و زوایای روح درخواب عمیق فرو رفته را آگاه سازند. معلم علاوه بر آن که مطالبی را که تاکنون در ذهن افراد نیامده است، یاد می‌دهد، به کمک نور تذکر، تنبیه و یادآوری، اشخاص را از ظلمت گناه و عصیان و تاریکی‌ها و آلودگی‌ها بیرون می‌آورند و به فضای نورانی تقوا و پارسایی و پاکیزگی سوق می‌دهند.

نکته مهم اینکه در تعالیم معلمان بزرگ بشری و انبیاء، تعلیم کتاب با آموزش حکمت و معرفت همراه است و این واژه یعنی اینکه حکمت به معنای مفاهیم خشک و بی روح و صرفاً علمی یا فلسفی نمی‌باشد. بلکه منظور ادراک و شناخت حقیقی امور با نور باطن و روشنی درون و بصیرت است. آری،

ارزش و مقام معلم در این است که موجب رستگاری دنیوی و اخروی افراد و جامعه گردد، این حکمت و علم از راه تهذیب اخلاق و صفای باطن و اتصال به عالم قدس و ملکوت برای مشتاقان حق و حقیقت دست یافتنی است. تعلیم و تعلم که در نگاه امام (ره) هر دو عبادتند، وقتی که با حکمت و تدبر و تعقل و فهم حقیقت و لطایف و دقایق و بصیرت همراه باشند به این معنا تعبیر و تفسیر می شود. تعلیم و تعلم صرف یاد دادن، یاد گرفتن و کسب علم و فنون و خواندن، نوشتن و به حافظه سپردن مضامین بی روح نیست، بلکه درست فهمیدن و درک کردن روح مطالب نیز شرط اساسی است. صلاح دینی و سعادت جامعه و افراد وقتی تأمین می گردد که تحصیل علوم و فنون با حکمت ایمانی، فضایل معنوی و مکارم اخلاقی مقرون باشد آنچه در فرایند تعلیم و تربیت به متعلم انتقال می یابد، تنها معلومات و مهارت های معلم نیست، بلکه تمام صفات، خلیات، حالات نفسانی و رفتار ظاهری او نیز به شاگردان منتقل می شود. رابطه معلم با مخاطب قبل از اینکه یک رابطه فرمولی و کلاسیک باشد، یک رابطه باطنی و معنوی است؛ و معلم قبل از آنکه با درس و بحث و مشق دانش آموز سر و کار داشته باشد، با روح و جان و اندیشه و خرد و روان او سر و کار دارد. مفهوم و محتوای معلم صرفاً یک آقا بالا سر و یک آموزگار نیست. بلکه مهم تر از آن یک الگوی با نفوذ و مربی است که دانش آموز از اخلاق و رفتار، از طرز اداره کلاس، از رعایت عدل و انصاف، از وقت شناسی و نظم، از دلسوزی و مهربانی، از خوشرویی و فروتنی، از دینداری و التزام به ضوابط شرعی و حیا، از اخلاق و خوشرویی و ادب، درسها می آموزد و در زندگی بکار می گیرد. از این روست که وظیفه معلمی بسیار حساس و سنگین و مسئولیت آور است. استاد و معلم باید به این مسئولیت سنگین و ارزشمند و میزان و مقدار نفوذش در دانش آموزان خوب بیاندیشند و

با اصلاح اخلاق و رفتار خویش بهترین الگوها را در اختیار دانش آموزان یا دانشجویان قرار دهند. علاوه بر آن بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که ۳۵٪ کودکان درهفت سال دوم زندگی دوست دارند مانند معلم خود باشند. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان دریافت که مفهوم علم و معلمی بسیار فراتر از آن چیزی است که امروزه در محاورات از آن یاد می‌کنند و مع الاسف دستخوش تعبیرات و تغییرات بی‌روح شده است.

معلم در آیات و روایات

همانگونه که آوردیم مفاهیم علم، معلم، تعلیم و تعلم با آفرینش بشر همراه بوده و در اولین آیات قرآن به پیامبر بحث آموختن و یاد دادن مطرح شده است. «الذي علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم» و در سوره الرحمن می‌خوانیم «الرحمن علم القرآن خلق الانسان علم البيان» برای دانستن مقام و منزلت معلم در آیات کافی است تا قرآن کریم، نهج البلاغه و احادیث روایات را مرور کنیم، آنگاه به عظمت و ارزش این مقام بهتر پی می‌بریم. در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم «یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات»، خداوند آنان را که ایمان آورده و آنان را که دارای علم‌اند، چندین درجه بالا می‌برد. و یا آیه شریفه «قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» بگو آیا آنهایی که می‌دانند با آنهایی که نمی‌دانند برابرند؟ رسول اکرم (ص) در ضمن حدیثی فرموده‌اند: من برای تعلیم و آموزش فرستاده شده‌ام» و یا حضرت امیر المومنین علی (ع) می‌فرماید: دانشمندان تا روزگار باقی است پایدارند، بدنهایشان مفقود و آثار آنان در قلب‌ها موجود می‌باشد.

پیامبر اعظم (ص) فرموده‌اند: «مثل عالمان و معلمان در زمین ، مثل ستارگان در آسمان است که مردم در تاریکی های خشکی و دریا ، به کمک آنان راه خود را پیدا می کنند و هرگاه این ستارگان خاموش شوند ، بسا راه یافتگان نیز گمراه شوند»

معلمي در منظر آیات و روایات جلوه‌اي از قدرت لایزال الهی است که از مجموع آن می‌توان به این سخن مشهور امام (ره) که فرمودند معلمي شغل انبیاست پی ببریم و بهتر بدانیم که معلمي هنر است که باید به آن عشق ورزید.

مقام و منزلت معلم

مقام معظم رهبری در بیان زیبایی می فرمایند: «صرف نظر از مجاهدین، باید بگوییم که موثرترین و والاترین مشاغل، معلمي است؛ زیرا همه برای کوتاه مدت کار می کنند ، ولی معلم برای استمرار زمان کار می کند ، همه مصرف کننده نیروی انسانی هستند و معلم تولید کننده ی نیروی انسانی است» اگر تربیت و علم آموزی را بهترین زمینه بالندگی و بالا بردن گوهر انسانیت بدانیم و هدفش را جامه ی عملی پوشاندن به استعدادهای بالقوه افراد جهت رسیدن به کمال و قرب الهی و سعادت بدانیم ، واضح است که معلمان در این راه موثرترین نقش را خواهند داشت ، اگر با نگاهی عمیق تر از آنچه که هست به تعلیم نگاه کنیم و آن را پلی برای آینده ی مطلوب و مورد رضای خدا در متعلم و معلم بدانیم ، این معلمان هستند که در طی قرون و اعصار مختلف صاحب این عظمت و افتخار و مبنای انتقال و اتصال معنوی و مستمر نسل ها هستند. امام صادق (ع) می فرمایند «تمام موجودات زمینی ، ماهیان دریا و هر

کوچک و بزرگ در زمین و آسمان برای معلم خوب، طلب آموزش می کنند « شهید مطهری از استاد خویش علامه طباطبایی(ره) با احترام و تجلیل فراوان سخن می گفت و در برخی از سخنرانی ها و نوشته های وی ، از او به عنوان «استادنا الکرام علامه طباطبایی روحی فداه» یاد می کند.

علامه حسن زاده آملی می گوید : اساتیدم همه شریف و عزیز بودند ، بنده حریم استادان را بسیار حفظ می کردم ، سعی می کردم در حضورشان به دیوار تکیه نزنم ، کوشش داشتم چار زانو بنشینم ، مواظب بودم سخنی را در محضرشان زیاد تکرار نکنم ، یک بار در محضر الهی قمشه ای نشسته بودم ، خم شدم و کف پای ایشان را بوسیدم ایشان فرمودند چرا چنین کردی ؟گفتم: من لیاقت ندارم دست شما را ببوسم .

آری این است مقام و منزلت واقعی معلم راستین که با سخنان او می توان جان تازه ای بدست آورد و با شنیدن کلامش انسان پر بگیرد و پرواز کند و به سرچشمه زلال معرفت و بصیرت و حقیقت دست یابد ، این منزلت واقعی معلمانی است که خود را نباخته اند و ارزش خود را با متاع دنیا نخریده اند و در خط نورانی اسلام ناب و امامت و ولایت، همواره بصیرت ها را افزایش داده و در هدایت جامعه در صراط مستقیم نقش داشته اند .

شهید مرتضی مطهری نمونه عینی یک معلم راستین در عرصه علم و ایمان و حکمت و ایثار عملی بود و شهید محمد ابراهیم همت ،معلم ۲۷ ساله ای که فرمانده لشکر اسلام شده و لباس پاسداری از اسلام و ارزش ها و ولایت را برتن کرد و پر کشید را هم می توان یک نمونه دیگر معلمی دانست که در

اوج قلعه ایثار درس محبت می داد و طفلان گریز پا را به مکتب می آورد. و سالهاست که معلمان نمونه بشریت حتی با مرگشان و سرگذشت زندگی شان طفلان گریز پا را به مکتب می آورند . و الحمدلله چنین الگوهای معلمی در نظام اسلامی کم نیستند

دغدغه معلم همیشه این است که حیات بشر، بر مدار ارزش ها و کرامت انسانی بچرخد و شناخت خدا و مکتب و دین، همت اساسی آدمی باشد و هیچ بیگانه ای را مجال تجاوز به فرهنگ ارزشی دین و میهن فراهم نیاید. در این مسیر خطیر، بزرگانی گام نهاده اند که نامشان بر تارک زمان می درخشد. علامه شهید استاد مرتضی مطهری (رحمه الله) از همین طایفه مقدس است که در سنگر تعلیم و تعلم، به قله های رفیعی دست یافت تا آنجا که معمار انقلاب اسلامی که خود معلمی بزرگ است همه آثارش را مفید می داند و بهره برداری از آنها را سفارش می کند .

ویژگی های معلم

نخستین و اساسی ترین خصوصیت معلمی داشتن سوز و گداز انسان سازی است که باید اذعان کنیم که امروز به دلایل گوناگونی در جامعه معلمی ، این خصلت رنگ باخته است و عده کمی هستند که همه وجودشان از شور و شوق و مسولیت پذیری در قبال انسان سازی موج می زند . معلم بودن در انحصار معلومات صرف کلاسیک و فرمولی هرگز نمی گنجد. لازمه معلمی ، هنر معلمی است که قبلا ذکر شد . ((دانش اکتسابی اگر با ایمان ، درست کرداری و راست گفتاری حکیمانه همراه نباشد ، نه تنها سرچشمه هدایت نخواهد بود بلکه مایه ضلالت است . مقصود و هدف اسلام از تحصیل علم و معارف

این علوم اکتسابی که در مدرسه و نزد معلمان و استادان یاد می گیرند نیست و این آیین، چنین دانشی را برای سعادت کافی نمی داند بلکه غرض عالی تری دارد و آن عبارت است از تربیت اخلاق، رشد معنوی و معرفت حقیقی که روح و روان آدمی را به فضایل و کمالات عالی آراسته نماید))

آن علمی که علمای بزرگ به پای استادش می افتند، آن علمی که مداد علمایش بر خون شهادت برتری دارد و تعلیم و تعلم آن هر دو عبادت است، آن شغلی که همسان شغل انبیاء تفسیر و تعبیر شده است، صرف یاد دادن یا یاد گرفتن تعدادی اصطلاحات فلسفی، ادبی، هنری و فرهنگی و معادلات بی روح و فرمول های خشک و یا انباشتن حافظه از چند واژه یا متن سخنرانی و مباحثات کردن به آنها نیست و نخواهد بود. آن علمی که مداد علمایش بر خون شهداء افضل است، مدرک بالا نیست، بلکه درک بالا است. علمی که در راستای تحصیل امور دنیوی است و صاحبش بر مردم فخر می فروشد و با چند اصطلاح بی روح مباحثات می کند، نه علم است و نه عالم؛ بلکه جاهلی عالم نماست. از ویژگیهای بارز علمی می توان به تواناییهای بالای علمی بر موضوع همراه با درک حقیقت و بصیرت و پاکیزگی و آراستگی در همه ابعاد مختلف زندگی، اخلاق و رفتار شایسته با کمال دلسوزی و اخلاق و عشق برای انسان سازی می توان برشمرد.

نتیجه گیری

۱- ارزش و مقام معلم از چنان قداستی برخوردار است که در حقیقت با نگاهی الهی به معلم می توان دریافت که معلم می تواند زبان واسطه فیض الهی باشد و از این رو شغل انبیاء را دارد و معلم اگر در مسیر ارزشها گام بردارد و کارش الهی باشد در حقیقت فرزندان معنوی پرورش می دهد و این با ارزشترین خدمت معلم به جامعه است .

۲- شان و منزلت و مقام معلمی همان گونه که در آیات و روایات و تاکید بزرگان دین و جامعه آمده است، اقتضاء می کند که به معلم و مسئولیت خطیر او با بصیرت و اعتبار خاص و ویژه ای نگاه شود و لذا بزرگداشت معلم در روز و هفته خاصی به این مناسبت نمی تواند قدردانی واقعی و راستین از زحمات آنان و بها دادن به ارزش و مقام آنان باشد، بلکه باید در طول سال معلمان مورد تجلیل قرار گیرند.

۳- در بررسی مشکلات معلمان ، در نخستین گام کمبودهای مالی خودنمایی می کند ، اما واقعیت این است که درک معلم در جامعه از یک طرف و اعطای عزت حرفه ای از طرف دیگر خصوصا برای معلمان حق التدریس که سالهای سال با کم ترین حقوق کار می کنند ، کم تر از مشکلات مالی نیست . حفظ شئونات معلمی توسط خود معلمان و درک متقابل جامعه از مسئولیت معلمی و احترام و تکریم این جایگاه که به شدت مورد تاکید دین مبین اسلام و خاصه

اسلام فقهاتی و ناب و بزرگان نظام اسلامی و علمای اعلام است ، نقش ارزنده ای در هدایت جامعه و اتصال نسل ها و انتقال ارزشها دارد .

۴- باز تولید مقام معلم در انگاره های الهی مستلزم این است که تا زمانیکه در جامعه هم از طرف اولیاء دانش آموزان و هم خود شاگردان و هم فضای عمومی جامعه و ارکان آموزش و پرورش و سایر دستگاهها ، به معلم به دیده ی احترام و با نگاهی معنوی نگاه نکنند ، خروجی نظام آموزشی ما تولید جوانان معنوی به آن گونه که انتظار داریم نخواهد بود و از طرف دیگر و مهم تر از آن ورود حساب شده و گزینش حقیقی در بکارگیری معلمان نیز در خصوص تولید نظام آموزشی بسیار موثر می باشد و تا نگاه خود معلمان به جایگاه و ارزش و مقام خودشان عوض نشود ، انتظاری از نگاه جامعه هم نخواهد بود.

منابع:

۱- قرآن کریم

۲- امینی، ابراهیم ، اسلام و تعلیم و تربیت. ۱۳۸۶

۳- حجتی، محمدباقر ، آداب تعلیم و تربیت اسلامی. ۱۳۸۹

۴- سلیمانی، محمد ، ماهنامه پاسدار اسلام. ۱۳۸۱

۵- شرفي، محمدرضا ، تربيت اسلامي. ۱۳۷۸

۶- گلي زواره، غلامرضا ، منظومه معرفت. ۱۳۸۳

۷- مطهري، مرتضي، آشنائي با قرآن. ۱۳۶۷

۸- همایي، جلال الدين ، مقام معلم. ۱۳۷۶

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.